

بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>

## تفاوت و تنوع فرهنگ ها

تفاوت و تنوع میان فرهنگ ها را از دو جهت می توان مورد توجه و بررسی قرار داد:

الف) تفاوت و تنوع از جهت لایه های عمیق (باورها و ارزش های بنیادین)

ب) تفاوت و تنوع به لحاظ گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی

هر فرهنگی عقاید و باورهای هستی شناسانه- انسان شناسانه و معرفت شناسانه مخصوص به خود را دارد که هویت آن فرهنگ و جامعه را می سازد. هویتی که عامل پیوند اعضای یک جامعه و در عین حال عامل تفاوت و تمایز آن جامعه با سایر جوامع می گردد.

بعنوان مثال : آنچه که موجب تفاوت میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ ژاپنی یا فرهنگ امریکایی می شود. این است که عقاید و ارزش های بنیادین یا همان لایه های عمیق فرهنگی این فرهنگ ها متفاوت است.

فرهنگ ها به جهت گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی نیز متفاوت و متنوع می گردند؛ برخی فرهنگ ها گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی بیشتری دارند و برخی دیگر ندارند.

منظور از گستره جغرافیایی : شیوع و رواج عناصر فرهنگی یک جامعه در سایر نقاط جهان است. (در مناطق مختلف جغرافیایی جهان).

مثال : برخی عناصر فرهنگی ایرانی مانند سنت نوروز- مانند شعر و ادبیات ایرانی در برخی نقاط دیگر جهان نیز رواج یافته اند. یا امروزه برخی از عناصر فرهنگی غرب مانند موسیقی به سبک و سیاق غربی یا لباس هایی با مدل های غربی در بسیاری از نقاط جهان رواج دارند.

منظور از تداوم تاریخی : ماندگاری عناصر فرهنگی یک جامعه در گذر زمان و طول تاریخ است.

مثال : برخی عناصر فرهنگی مانند سنت نوروز- محرم و .. برای قرن هاست که در ایران تداوم یافته اند.

عناصر فرهنگی منظور همان باورها- ارزش ها- هنجارها- نمادها- سنت ها- آداب و رسوم و .... است.

در کل می توان اینگونه نتیجه گرفت که فرهنگ های مختلف در سطح جهان از دو جهت با هم تفاوت یافته اند.

الف) به جهت تفاوت در باورها و ارزش های بنیادین ( تفاوت در لایه های عمیق فرهنگی یا همان تفاوت در روح و شالوه آنها)

ب) به جهت تفاوت در گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی آنها

## فرهنگ جهانی :

فرهنگی است که می تواند از مرزهای جغرافیایی و قومی خود عبور کرده و در سطح جهان گسترش یابد.

فرهنگی که عناصر آن (باورها- ارزش ها- هنجارها- نمادها- سنت ها- آداب و رسوم و ....) بتوانند در جوامع (کشورهای) دیگر و در میان سایر اقوام و ملت های دیگر شیوع و رواج یابند.

## فرهنگ های جهانی شده به دو گونه تقسیم می شوند:

**الف ( گونه اول ) : (فرهنگ های سلطه گر):** فرهنگ هایی که عقاید و ارزش های بنیادین آنها ناظر (مرتبط و متناسب) به قوم، منطقه یا گروه خاصی است و در اصل شایستگی جهانی شدن ندارند اما از طریق اعمال زور و سلطه بر سایر جوامع ، اقوام یا مناطق، یا از طریق تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی؛ خود را جهانی ساخته اند.

مثال : فرهنگ صهیونیسم بین الملل - فرهنگ سرمایه داری غرب

پیامد جهانی شدن فرهنگ های سلطه گرا: (گونه اول): این فرهنگها (فرهنگ هایی که استحقاق جهانی شدن ندارند و تنها بواسطه قدرت و ثروت یا بواسطه سلطه و تهاجم و تبلیغات خود را جهانی ساخته اند) در صورت جهانی شدن و عبور از مرزهای خود؛ جهان را به مناطق دوگانه تقسیم می کنند.

الف) منطقه مرکزی : (دارنده ثروت و قدرت و سلطه گر) (ب) مناطق پیرامونی (تحت سلطه: مناطقی که توسط مناطق مرکزی به خدمت گرفته می شوند)

**ب) گونه دوم : ( فرهنگ های لایق و شایسته ):** فرهنگ هایی که عقاید و ارزش های بنیادین آنها ناظر (مرتبط و متناسب) به گروه، قوم و منطقه خاصی نیست بلکه برعکس سعادت تمام انسانها را دنبال می کند. از عقاید و آرمان های مشترک انسانی صحبت می کنند و عقاید و ارزش های بنیادین آنها پاسخگوی نیازهای فطری تمام انسانهاست. این فرهنگ ها لیاقت و استحقاق جهانی شدن را دارند و بطور طبیعی می توانند جهانی شوند. (هیچ نیازی به سلطه و تبلیغات ندارند). در حالیکه فرهنگ های گونه اول بطور طبیعی نمی توانند جهانی شوند و تنها بواسطه ثروت و قدرت و سلطه خود را جهانی می سازند.

مثال از گونه دوم (فرهنگ های شایسته و لایق جهانی شدن) : فرهنگ اسلامی (باورها و ارزش های اصیل اسلامی) - فرهنگ ایرانی (هنر و ادبیات ایرانی ؛ " شعر سعدی که بر سردری از سالن های سازمان ملل متحد نقش بسته است.." سنت هایی چون نوروز و یلدا و .....)

**فرهنگ های گونه دوم، در اصل همان فرهنگ های حق هستند و فرهنگ های گونه اول در واقع همان فرهنگ های باطل هستند.**

فارابی به یک نمونه از فرهنگ هایی اشاره دارد که در حد فاصل فرهنگ های گونه اول و دوم جای می گیرند. فارابی نام این فرهنگ را مدینه فاسقه می نامد. فرهنگی که عقاید و ارزش های آن حق است اما هنجارها و رفتارهای موجود در آن باطل است و هیچ تناسبی با باورها و ارزش ها ندارد. (مدینه فاسقه: مدینه / جامعه یا فرهنگی که : عقاید و ارزش های آن حق است اما هنجارها و رفتارهای موجود در آن باطل).

## ویژگی های فرهنگ مطلوب جهانی:

در این بخش به ویژگی هایی اشاره می کنیم که یک فرهنگ را لایق و شایسته جهانی شدن به گونه مطلوب و عالی می کند.

بنابراین فرهنگی می تواند به یک فرهنگ جهانی مطلوب تبدیل شود که ویژگی های زیر را دارا باشد:

- 1- فرهنگی که : عقاید و ارزش های آن عام (عمومی و همگانی) و جهانشمول باشد. (یعنی اینکه : عقاید و ارزش های آن راجع به تمام انسانها و جوامع باشد؛ به درد تمامی مردم جهان بخورد. نه اینکه فقط مربوط به منطقه یا قوم و گروه خاصی باشد)

۲- فرهنگی که : به برخی حقایق و اصول مطلق قائل باشد. (همه چیز را نسبی و تفسیر پذیر فرض نکند) حقایق و اصولی مانند عدالت - آزادی - معنویت - انسانیت و .... که مطلق و قطعی بوده و در همه جا می بایست رعایت شوند. (فرازمایی و فرامکانی هستند). حقایق و اصولی که از طریق آنها می توان عقاید و ارزش های دیگر را ارزیابی کرد و از ارزش های حق دفاع کرد).

۳- فرهنگی که: از ارزش جهانشمول معنویت برخوردار باشد: تا بتواند به نیازهای ابدی و معنوی انسانها پاسخ داده و از دچار شدن انسانها به بحران های روحی و روانی جلوگیری کند. (منظور از جهانشمول بودن این است که شامل تمام جهانیان باشد. برای تمام افراد جهان مفید باشد - به درد تمامی جهانیان بخورد)

۴- فرهنگی که از ارزش جهانشمول عدالت برخوردار باشد: برای اینکه بتواند مانع قطبی شدن جهان و بهره کشی ظالمانه برخی از برخی دیگر شوند/ برای اینکه بتواند مانع پایداری شدن حقوق انسانها شود و از تفرقه میان جوامع و تباها شدن منابع و امکانات پیشگیری نماید

۵- فرهنگی که : بر حریت و آزادی انسان ها تاکید کند: تا بتواند موجب رهایی انسان ها از قید و بندهایی شود که مانع رسیدن آنها به کمال و حقوق انسانی شان شده و زمینه ظلم را بر او فراهم می سازند.

۶- فرهنگی که : از عقلانیت برخوردار باشد. عقلانیت در دو سطح :

الف) عقلانیتی که پاسخگوی پرسش های بنیادین بشر درباره انسان و جهان باشد. (عقلانیتی که پاسخگوی پرسش های هستی شناسانه - انسان شناسانه و معرفت شناسانه باشد). فرهنگی که فاقد این نوع عقلانیت باشد؛ نمی تواند از هویت خود دفاع کند

ب) عقلانیتی که پاسخگوی پرسش ها و نیازهای متغیر و روزمره انسانها باشد پرسش ها و نیازهایی که در شرایط مختلف زمانی و مکانی تغییر می کنند).

فرهنگ جهانی مطلوب می بایست بتواند بر اساس عقاید و ارزش های بنیادین خود به این نیازها و پرسش های متغیر (تغییر کننده) پاسخ دهد.

۷- فرهنگی که : بر آزادی انسانها تاکید کند. فرهنگي که انسان را موجودی آزاد و مختار بداند. نه اینکه فرهنگی جبر گرا باشد

فرهنگ های جبرگرا: فرهنگ هایی هستند که منکر نقش انسانها در تعیین سرنوشت خود هستند، این فرهنگ ها انسانها را به موجوداتی منفعل تبدیل کرده، قدرت مقاومت را از آنها می گیرند و از این طریق؛ زمینه نفوذ و سلطه دیگران بر آنها را فراهم می کنند.

۸- فرهنگی که روح تعهد و مسئولیت پذیری را در انسانها تقویت کند : تا بتواند موجبات تحقق و گسترش عقاید و ارزش های جهانشمول شود

۹- فرهنگی که : تفاوت میان جوامع و تفاوت میان افراد را بپذیرد و به این تفاوت ها احترام بگذارد. پذیرش و احترام به تفاوت ها دو مزیت اساسی دارد :

الف) موجب حفظ صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت می شود.

ب) موجب افزایش انگیزه شناخت متقابل میان انسانها و جوامع مختلف می شود

بدین ترتیب فرهنگ جهانی ضمن تاکید بر اشتراکات و شباهت ها بر تفاوت ها و پذیرش و احترام به تفاوت ها نیز تاکید می کند.

نمونه بارز تاکید بر شباهت در عین احترام به تفاوت : مراسم حج است که هر ساله انسانهایی از ملت ها، اقوام و نژادهای مختلف در یک زمان و مکان دور هم جمع شده و در کنار هم و در صلح و صفا به ادای مراسم و مناسک مشترک می پردازند.

---



بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>